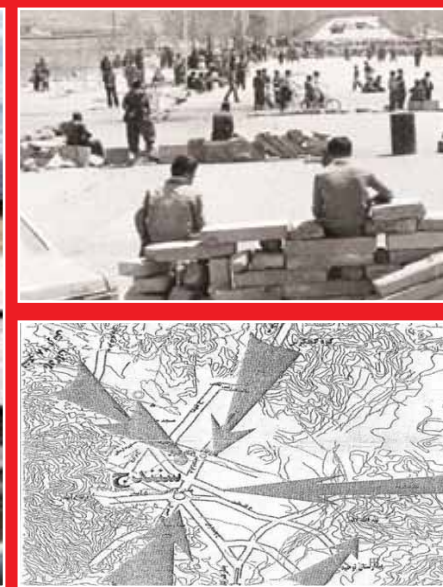


رند اشغال سنندج توسط گروهک‌های ضدانقلاب از فروردین سال ۵۸ آغاز شد و به مدت یک سال شهر تقریباً در اختیار این گروه‌ها قرار داشت. شهر سنندج چه برای جمهوری اسلامی و چه برای تجزیه‌طلبان از اهمیت بالایی برخوردار بود، چرا که سقوط این شهر به دست ضدانقلاب، منجر به سقوط دیگر شهرهای کردستان می‌شد



گزارشی درباره سالگرد پیروزی ارتش و سپاه در برابر تروریست‌ها در سنندج

## عبرت‌ی برای تجزیه‌طلبان

### همکاری مردم با مدافعان شهر

مسئول محور پادگان که همراه یک بی‌سیم‌چی و پیک پیشاپیش ستون حرکت می‌کرد و لحظه‌به‌لحظه با بروردی در تماس رادیویی بود می‌گوید: تانک‌های ارتش که راه افتاد، پاسداران هم به‌عنوان محافظ تانک‌ها بودند. انگار نظارت مسلحانه خیابانی است. خیلی نان‌تک و گلوله لازم نبود مصرف کنیم. از ۵ تا ۶ خانگی که رفتیم برای پاکسازی، بعضی‌شان را خود کردها، جوان‌ها و بیشتر مسن‌ها می‌آوردند و غیرمستقیم و یواشکی با دست‌آشماره می‌کردند و ما خانه‌ها را محاصره می‌کردیم.

همکاری مردم سنندج با رزمندگان مدافع انقلاب اسلامی به حدی بود که چند روز بعد، خبرنگار روزنامه انقلاب اسلامی، پس از مصاحبه با تعدادی از پاسداران مجروح از جمله مسئول این محور به نقل از او چنین نوشت: مردم سنندج مردمی مسلمان هستند و بر اثر فشار گروه‌های مزدور و از ترس، جرأت نفس کشیدن ندارند. ساختمان محل استانداری و باشگاه افسران ۲ نقطه از شهر بود که همچنان در برابر گروهک‌های تجزیه‌طلب مقاومت می‌کرد. همان طور که گفته شد، نبرد آزادی سنندج به مدت ۲۲ روز به طول انجامید و درگیری تا روز ۲۶ اردیبهشت مثل روز اول در جریان بود؛ با این تفاوت که هر روز که می‌گذشت، نیروهای نظامی کشورمان یک قدم به آزادی سنندج نزدیک‌تر می‌شدند.

در نهایت در آخرین روز نبرد برای آزادی کامل سنندج، شهر رفته‌رفته از گروهک‌های تجزیه‌طلب خالی و جنگ میان نیروهای نظامی ایران و تجزیه‌طلبان به حاشیه شهر کشیده شد.

مجید نفاق در کتاب «۲۲ روز نبرد» درباره تعداد تلفات رزمندگان سنندج در حدود ۱۵۰ کشته و بیش از ۲۰۰ زخمی آلودا و تعداد ۱۱ نفر از عناصر مسلح به اسارت رزمندگان سپاه اسلام در آمدند و همچنین امکانات زیادی از ضدانقلاب اعم از سلاح و مهمات و دارو و همچنین اسناد درون گروهی به دست رزمندگان سپاه اسلام افتاد.

نفاق در ارتباط با تعداد شهدای آزادی سنندج نیز می‌نویسد: ایشرف، فرمانده وقت عملیات سپاه درباره تعداد شهدای سپاه در ۲۵ اردیبهشت تأکید کرد هنوز آمار دقیقی در دست نیست ولی گمان می‌کند تعداد شهدا رقمی نزدیک به ۲۳ نفر باشد که عددی هم مفقود هستند. در بخش دیگری از کتاب مورد بحث نیز به نقل از سرلشکر صفوی، شهدای عملیات آزادی سنندج بین ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر اعلام شده است.

### سند جنایت تجزیه‌طلبان کردستان

با آزادی کامل سنندج، این بار نوبت به کشف جنایت‌های گروهک‌های تجزیه‌طلب بویژه کومه‌لده رسید. کشف گورهای دسته جمعی شهدا و اطلاع از چگونگی شهادت پاسداران، از جمله این موارد بود.

نفاق در کتاب «۲۲ روز نبرد» به نقل از یک پاسدار می‌نویسد: سیرانجام بعد از ۲۰ روز شهر آزاد شد و من تازه متوجه شدم آن ۱۳ نفر در روز اول درگیری به شهادت رسیده‌اند. به علت احساس وظیفه با اصرار از لشکر یک ماشین گرفتیم. از اهالی شهر با خواهش خواستیم که به ما کمک کنند. پیرزنی گفت: این شهدا را بعد از شهادت به محل دیگری منتقل کردند و در گوشه خیابان انداختند حدود ۳ روز جنازه آنها در گوشه خیابان بود و من و همسایه‌ها یخ روی جنازه‌ها می‌گذاشتیم تا فاسد نشوند و بعد از ۳ روز اجساد را به قبرستان قدیمی شهر بردند. سرانجام قبرستان را پیدا کردیم. گودالی به صورت طولی حفر کرده بودند و شهدای ما و کشتگان خودشان را در آنجا مدفون کرده بودند.

نفاق به نقل از یک پاسدار دیگر می‌نویسد: بعد از رفتن بچه‌ها شروع به تحقیق بیرامون قریب به ۲۰ برادر پاسداری کردم که در بین راه پادگان به باشگاه جا مانده بودند. به بیمارستان شهدا رتم و از مسئولان آنجا راجع به موضوع تحقیق کردم ولی آنها نیز از محل دفن شهدا اطلاعی نداشتند. به ناچار به قبرستان سنندج رتم و در آنجا مشغول پرس و جو شدم. در کنار قبرستان به خانه یک پیرزن رسیدم، وقتی موضوع را برایش مطرح کردم یک باره زد

گروه سیاسی: یکی از اهداف اصلی اغتشاشاتی که پاییز سال گذشته به بهانه فوت مهسا امینی در کشور به راه افتاد، ضمن براندازی جمهوری اسلامی، تجزیه بخش‌هایی از سرزمین ایران بود. برای تصدیق این مدعا می‌توان به حضور فعالانه گروهک‌های تروریستی و تجزیه‌طلب از جمله کومه، دموکرات کردستان، پژاک و حزب پاک کردستان در آشوب‌ها و ناامنی‌های غرب و شمال غرب کشور اشاره کرد. اما گروه‌هایی که پاییز سال گذشته پروژه تجزیه‌طلبی را در کشورمان دنبال می‌کردند، در دهه‌های گذشته نیز مسیر تجزیه کردستان از ایران را با خشونت و جدیت بیشتری از ماه‌های اخیر دنبال می‌کردند. در پیش گرفته بودند ولی در مقابل ارتش و سپاه ناکام ماندند. جنگی که بین نیروهای نظامی کشورمان با گروهک‌های تجزیه‌طلب بر سر آزادی سنندج در گرفت و در نهایت منجر به آزادی این شهر شد، مصداق خوبی برای به تصویر کشیدن ناکامی تجزیه‌طلبان است.

درست از فدای پیروزی انقلاب اسلامی، ناآرامی‌های کردستان نیز با آشوب آفرینی‌های چریک‌های فدایی خلق، حزب دموکرات و کومه در مناطق غرب کشور آغاز شد و شیرینی پیروزی انقلاب اسلامی را برای همه تلخ کرد. این گروه‌های تجزیه‌طلب با سوءاستفاده از عدم ثبات دولت مرکزی، پروژه جدایی کردستان از ایران را دنبال می‌کردند. از طرف دیگر، اقدامات سادهلوحانه و شاید مغرزان دولت موقت به ریاست مرحوم بازرگان در مقابله با این آشوب‌ها نیز به بحرانی‌تر شدن اوضاع در غرب کشور دامن زد؛ چنانچه اغلب شهرهای کردستان از جمله کامیاران، باوه، نقره، مریوان و سنندج به محلی برای جولان گروهک‌های تجزیه‌طلب تبدیل شده بود.

شرایط ناآرامی‌ها که به خاطر تغییر حکومت در ایران به وجود آمده بود، گروه‌های تجزیه‌طلب در منطقه غرب کشور را تحریک کرد برای جامعه عمل پوشاندن به رویای قدیمی‌شان که جدایی کردستان از ایران بود، وارد عمل شوند. مهیاد، نقره، سنندج، کامیاران... یکی پس از دیگری محل آتش‌افروزی گروه‌هایی مثل دموکرات، کومه، زرگاری و چریک‌های فدایی خلق شد که طرح جدایی کردستان را دنبال می‌کردند.

همین موضوع شورای انقلاب اسلامی را به این نتیجه رساند بر خلاف نظر دولت موقت مبنی بر عدم حضور نیروی نظامی در مناطق غرب کشور، با گسیل نیروهای پاسدار به منطقه و تقویت ارتش، به بحران کردستان خاتمه دهد. حضور سردار شهید محمد بروجردی در منطقه که از سوی شورای انقلاب اسلامی مأموریت یافته بود کار آشوب‌های کردستان را یکسره کند، نقطه عطف مقابله تاریخی و قاطعانه جمهوری اسلامی ایران با گروهک‌های تجزیه‌طلب بود. عملیات آزادی سنندج در اردیبهشت سال ۵۹ که ۲۲ روز به طول انجامید و به لحاظ اهمیت کم از آزادی خرمشهر ندارد، یکی از دهه‌ها موفقیت محمد بروجردی در راستای پاکسازی غرب کشور از وجود تروریست‌های تجزیه‌طلب بود.

مردم نور تادور نشستند و می‌گریستند. زن‌ها هم به سر و روی خودشان می‌زدند. بعد از حدود ۲۰ دقیقه کندن زمین نخستین جنازه پیدا شد. یک درجه‌دار نیروی زمینی بود. از دومین جنازه به بعد بچه‌های ما بودند که مشخص بود زنده زنده به زیر خاک رفته‌اند.

چهره‌های‌شان قابل شناسایی نبود و اکثر آنها را از محتویات جیب‌ها و وسایط‌های‌شان می‌شناختیم. مجموعاً ۴۸ جسد بیرون آوردیم که در بین‌شان تعداد زیادی پاسدار، یک خلبان هواپرواز که تیرباران شده بود و سرهنگ نصر تراز بودند.

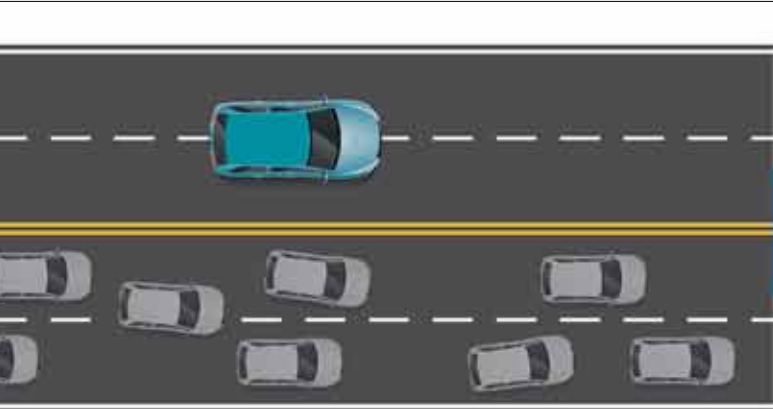
زیر گریه. حدود یک ربع بدون وقفه گریه می‌کرد و بعد هم بریده بریده گفت: آن بی‌شرف‌ها (تجزیه‌طلبان) یک روز صبح آمدند و با کامیون تعدادی جنازه آوردند. بعد با بولدوزر زمین را کندند و شهدا را داخل زمین گذاشتند. بعد هم تعدادی پاسدار حدود ۲۰-۱۰ نفری آوردند که بیشتر آنها زخمی بودند و چند نفری هم سالم. آن وقت آن بی‌شرف‌ها پاسدارها را زنده گذاشتند داخل زمین و با بولدوزر روی آنها خاک ریختند. به طرف قبرستان رفتیم. آنجا که رسیدیم برادران سپاهی و ارتشی رسیده بودند و تعدادی بیل و کلنگ و دیگر وسایل همراهشان بود. مشغول به کار شدیم و مردم

### روایت شهید صیاد از آزادی سنندج



نیست. در نتیجه طرح عملیات گردنه صلوات آباد را به عنوان یک ضرورت مطرح کردیم که مورد موافقت مسئولان نظامی وقت قرار گرفت. برای اجرای عملیات، یگان‌های مستقر در منطقه را هماهنگ کردیم. حدود ساعت ۹ صبح ۱۳۵۹/۲/۱۷ عملیات هلی‌برن ۱۴ گروه رزمی روی گردنه صلوات آباد آغاز شد. روز بعد از عملیات آزادی گردنه صلوات آباد، پس از هماهنگی با تیب ۳ رزمی همان و برقراری تأمین در جلو، عقب، سمت راست و سمت چپ، با یک ستون رزمی سنگین به طرف سنندج حرکت کردیم. طی ۴ روز پس از عملیات گردنه صلوات آباد، طرح‌های لازم را جهت پاکسازی داخل شهر سنندج تهیه کردیم. عملیات را از جناح جنوب غربی شهر، یعنی از ارتفاعات «آبدر» آغاز کردیم که با استفاده از چند فروند هلی‌کوپتر هواپرواز، روی ارتفاعات آبدر هلی‌برن انجام شد. ۴-۳ ساعت پس از شروع کار بود که متوجه شدیم صدای «درود بر خمینی» از داخل شهر سنندج به گوش می‌رسد. به سمت شهر حرکت کردیم، اغلب پرسنل سپاه بودند که سوار خودروهای وانت و سمرغ در خیابان‌های شهر بدون هماهنگی به حرکت در آمده بودند. احتمالاً از سمت دیدگاه سنندج به شهر رفته و ضمن ملو در شهر شعار می‌دادند. ما هم به آنها ملحق شدیم. در همین شرایط که همه خوشحال بودند، یک دفعه صدای شلیک گلوله‌های کلاشینکف به صورت پراکنده شنیده شد. همه سنگر گرفتند اما بعد معلوم شد ضدانقلابیون چند تیر بی‌هدف و هوایی شلیک کرده‌اند. به هر صورت، به لطف خداوند متعال شهر سنندج آزاد شد. پایگاه‌های تأمین و کمیته‌های محلی در نقاط مختلف شهر تشکیل شد که اطلاعات را به روز در اختیار داشتند و ضدانقلاب را شناسایی و دستگیر می‌کردند. به این ترتیب عملیات پاکسازی و آزادی گردنه صلوات آباد و سنندج که از ۳ تا ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۹ به طول انجامید، به یاری خداوند تبارک و تعالی و جانفشانی شهدای عزیز و همت رزمندگان اسلام از ارتشی، سپاهی، نظامی و پیشمرگان کرد مسلمان با موفقیت و پیروزی درخشان پایان یافت.

شهید صیاد درباره نحوه عملیات آزادی سنندج نقل می‌کند: «پس از ملاقات با رئیس جمهور، جلسه‌ای با برادران همراه از جمله برادر سیدیدیحیی صفوی، فرمانده عملیات سپاه پاسداران اصفهان تشکیل دادیم و قرار شد ایشان فوری به اصفهان بروند و تعدادی از برادران پاسدار را برای رفتن به سنندج آماده کنند. من هم به اتفاق سروان سیدحسام هاشمی همان شنبه به اصفهان رفتم و فردای آن روز با یکصد تن از برادران سپاه به فرماندهی برادر سیدیدیحیی رحیم‌صفوی عازم سنندج شدیم. پس از یک پرواز طولانی، از مسیر جاده کرمانشاه به سنندج، سرانجام در بعدازظهر مورخه ۱۳۵۹/۲/۱۷ هواپیمای حامل رزمندگان اسلام در فرودگاه سنندج به زمین نشست. فرودگاه - که ما قبلاً از آن هیچ اطلاعاتی نداشتیم - به وسیله یک گروهان از لشکر ۲۸ به فرماندهی شهید سروان متولی حفاظت می‌شد، البته تعدادی از برادران پاسدار هم چند روزی بود به آنها پیوسته بودند که جمعا فرودگاه و ایستگاه رادیو و تلویزیون و دیدگاه و قسمتی از محور شرق جاده سنندج به کرمانشاه، به وسیله آنها حفظ شده بود. ما توجه به موقعیت جغرافیایی شهر سنندج، به طور کلی تمام قسمت‌های شهر و جاده‌های ورودی به شهر، در دست گروهک‌های ضدانقلاب بود. پادگان لشکر ۲۸ سنندج در قسمت غربی شهر در محاصره کامل بود و نیروهای خودی به طور معجزه‌آسایی پادگان را در اختیار داشتند. رفت و آمد بین فرودگاه و پادگان به وسیله هلی‌کوپتر انجام شد. در قسمت شرقی، تنها همین فرودگاه و ساختمان رادیو و تلویزیون و دیدگاه به وسیله یگان‌های ارتش حفظ می‌شد. پس از انجام چند عملیات کوچک و متفرق، کمربند ایمنی در قسمت جنوب و غرب و شمال که به جاده دیواندره منتهی می‌شد، برقرار شد اما جناح شرقی شهر یعنی قسمت رودخانه قشلاق، سیلو، شیراز و محور صلوات آباد کاملاً در دست ضدانقلاب باقی مانده بود. در این زمان ما به این نتیجه رسیدیم که باید شهر را به محاصره کامل درآوریم، تا قسمت شرقی شهر سنندج تأمین نشود، سرکوب ضدانقلاب و پاکسازی شهر سنندج امکان‌پذیر



این مسیر تنها متعلق به شماست.  
اینترنتی "کاملاً" اختصاصی برای کسب‌وکار شما

رسپینا

بزرگ‌ترین ارائه‌دهنده پهنای باند اختصاصی به سازمان‌ها در ایران

www.respina.net



شرکت داده‌پردازی رسپینا  
(سهامی خاص) - شماره ثبت: ۱۳۹۱۱  
تأسیس شده در سال ۱۳۹۱ - شماره ثبت: ۱۳۹۱۱  
از ما می‌توانید بهترین خدمات و محصولات را تجربه کنید

تلفن: ۰۲۱-۹۲۰۰۰۰۰۰

@respinaofficial